

Providing a Favorable Model of Ethnic Policy in the Islamic Republic of Iran: (Case Study: Students of Imam Sadegh (AS) University and Science and Research Branch)

Mahdi Ghorbanpour

PhD student in Political Sociology, Faculty of Law, Theology and Political Science,
Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

mosagorbanpor@gmail.com

Ali Morshedizad

Corresponding Author, Associate Professor, Department of Political Science, Faculty of
Humanities, Shahed University, Tehran, Iran. alimorshedizad@yahoo.com

Mustafa Abtahi

Assistant Professor of Political Science, Faculty of Law, Theology and Political Science,
Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

m.abtahi100@gmail.com

Abstract

The political system in countries such as Iran, which are in a heterogeneous and diverse situation in terms of ethnic and linguistic diversity, needs to create a sense of national solidarity among its ethnic groups for stability and survival. Therefore, in multi-ethnic countries, one of the main actions is to formulate and implement ethnic policies. Due to the need to formulate ethnic policies, the purpose of this study was to provide an optimal model of ethnic policy in the Islamic Republic of Iran (Case study: students living in ethnic areas and studying at Imam Sadegh (AS) University and Islamic Azad University, Science and Research Branch). The method of the present study was applied in terms of purpose and descriptive in terms of implementation method. The statistical population of the study included 850 undergraduate and doctoral students and 265 people were selected as a simple random sample based on Morgan table. Data collection tools included a researcher-made questionnaire with 6

components and 79 questions that the reliability of the questionnaire with Cronbach's alpha of 0.94 was confirmed. The Structural equation method and Amos software were also used to analyze the hypotheses. Finally, the four main components of national identity, religious identity, citizen-centered and justice-oriented were identified as the most important components. By combining the above 4 components; The model of "Iranian-Islamic pluralism" was introduced as a desirable model of ethnic policy in the Islamic Republic of Iran.

Keywords: Ethnic Policy, Islamic Republic of Iran, Students of Imam Sadegh (AS) University, Students of University of Science and Research

ارائه الگوی مطلوب سیاستگذاری قومی در جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه امام صادق^(ع) و واحد علوم و تحقیقات)^۱

مهدی قربانبور

دانشجوی دکتری رشته جامعه شناسی سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران mosagorbanpor@gmail.com

علی مرشدی زاد

نویسنده مسئول، دانشیار گروه علوم سیاسی و مطالعات انقلاب اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران alimorshedizad@yahoo.com

مصطفی ابطحی

استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران m.abtahi100@gmail.com

چکیده

نظام سیاسی در کشورهایی نظیر ایران که به لحاظ تنوع قومی و زبانی، در وضعیت ناهمگن و متنوعی به سر می‌برند، برای پایداری و بقا، به ایجاد حس همبستگی ملی در بین اقوام خود نیاز دارد. بنابراین در کشورهای چندقومی از جمله اصلی‌ترین اقدام‌ها، تدوین و اجرای سیاست‌های قومی است. با توجه به ضرورت تدوین سیاست‌های قومی، هدف پژوهش حاضر ارائه الگوی مطلوب سیاستگذاری قومی در جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی: دانشجویان ساکن مناطق قومی و در حال تحصیل در دانشگاه امام صادق^(ع) و دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات) بود. روش پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش اجرا توصیفی از نوع پیمایشی بود. جامعه آماری پژوهش شامل دانشجویان مقطع کارشناسی تا دکتری به تعداد ۸۵۰ نفر بودند که براساس جدول مورگان ۲۶۵ نفر به عنوان نمونه آماری به صورت تصادفی ساده انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات شامل پرسشنامه‌ای محقق ساخته دارای ۶ مؤلفه و ۷۹ سوال بود که پایایی پرسشنامه با میزان آلفای کرونباخ ۰/۹۴ مورد تأیید قرار گرفت. همچنین برای

۱. این یک مقاله دسترسی آزاد تحت مجوز/ (http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/) CC BY-NC-ND است.

تجزیه و تحلیل فرضیات نیز از روش معادلات ساختاری و نرم افزار Amos استفاده گردید. در نهایت ۴ مؤلفه اصلی هویت ملی، هویت دینی، شهروندمحوری و عدالت‌محوری به عنوان مهم‌ترین مؤلفه‌ها شناسایی شدند. با ترکیب ۴ مؤلفه فوق، الگوی «تکثرگرایی ایرانی_اسلامی» به عنوان الگوی مطلوب سیاستگذاری قومی در جمهوری اسلامی ایران معرفی شد.

واژه‌های کلیدی: سیاستگذاری قومی، جمهوری اسلامی ایران، دانشجویان دانشگاه امام صادق^(ع)، دانشجویان دانشگاه علوم و تحقیقات

تاریخ دریافت: ۰۰/۰۲/۲۲ تاریخ بازبینی: ۰۰/۰۶/۰۶ تاریخ پذیرش: ۰۰/۰۶/۱۷

فصلنامه راهبرد، دوره ۳۰، شماره ۹۹، تابستان ۱۴۰۰، صص ۳۹۳-۴۲۵

مقدمه

هویت‌های قومی و نسبت آن با هویت ملی یکی از مسائل اساسی در کشورهای چندقومیتی به‌شمار می‌رود. چگونگی رابطه و مناسبات میان این دو نوع هویت اجتماعی می‌تواند روی همبستگی و انسجام ملی در این کشورها تأثیر بگذارد (امیرکافی & حاجیان، ۱۳۹۷: ۱۱۷). در کشور ایران نیز به‌جهت تنوع کم‌نظیر قومی؛ تعریف نسبتی معنادار میان هویت ملی و هویت قومی و به‌عبارتی تدوین الگوی مطلوب سیاست‌گذاری پیرامون آن ضروری است. البته پیش از بحث پیرامون الگوی مطلوب سیاست‌گذاری قومی در جمهوری اسلامی ایران به دو محور اساسی باید توجه شود. اول؛ توجه به اصل سیاست‌گذاری به‌مثابه یک فرایند (تقنین، اجرا، نظارت، بازخورد و اصلاح) که خلأ آن در حوزه سیاست‌های قومی در جمهوری اسلامی ایران دیده می‌شود. دوم؛ توجه به سیاست‌گذاری قومی به‌نحوی که با اقتضائات زیست‌بوم جامعه ایران متناسب باشد. در ارتباط با محور اول به‌نظر می‌رسد یکی از ضعف‌های عمده برای ارزیابی سیاست‌های دولت جمهوری اسلامی ایران در قبال اقوام؛ خلأ سیاست‌گذاری است. زمانی می‌توان ارزیابی صحیح و دقیقی از رویکردهای جمهوری اسلامی ایران در قبال اقوام ارائه کرد که در حوزه قوانین و سیاست‌گذاری‌ها به‌قدر کافی پژوهش و درنهایت تدوین قانون شده باشد تا با استناد به آن، مجموعه عملکرد نظام جمهوری اسلامی ایران ارزیابی شود. اما با توجه به ضعف در حوزه سیاست‌گذاری قومی، امکان ارزیابی دقیق و متناسب سیاست‌ها وجود ندارد و حداکثر می‌توان از یک‌سری رویکردها و عملکردها در این حوزه صحبت کرد. همین خلأ عمده زمینه طرح بحث

سیاست‌گذاری قومی در پژوهش حاضر و تلاش برای ارائه الگوی مطلوب بود. البته در متن قانون اساسی، اسناد بالادستی و بیانات رهبران انقلاب اسلامی اشارات مفیدی نسبت به جایگاه و شیوه تعامل با اقوام شده‌است اما تا زمانی که مجموعه این مفاهیم به‌شکلی منسجم و مبتنی بر پژوهش صورت‌بندی و سپس در قالب قوانین جزئی و قابل‌اجرا ارائه نشود، امکان تحقق الگویی کارآمد و قابل‌ارزیابی از روابط دولت-اقوام بسیار دشوار خواهد بود.

در محور دوم باید توجه داشت که تنوع قومی پدیده‌ای عام و جهان‌شمول است. امروزه بیشتر کشورهای جهان از لحاظ ترکیب گروه‌های زبانی، مذهبی و قومی در وضعیت ناهمگن و متنوعی به‌سرمی‌برند و تنها در ۱۶ کشور جهان اقلیت قابل‌توجهی وجود ندارد و در این میان فقط ۴ درصد جمعیت جهان در کشورهایی زندگی می‌کنند که تنها دارای یک گروه قومی هستند (Brown, ;Dunn n. , 2012:15). (1993:25).

بنابراین توجه به اقتضائات زیست‌بوم جامعه ایران در نسبت با تنوع قومی در کشورهای دنیا و سیاست‌گذاری متناسب با آن ضروری است. هریک از کشورها با توجه به ساختار نظام سیاسی و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری تنوع قومی و بالطبع ویژگی‌های تنوع قومی اقدام به سیاست‌گذاری برای مدیریت این تنوع کرده‌اند. به دلیل تفاوت در موارد فوق در هریک از کشورها مدل و سیاست‌های خاصی برای مدیریت تنوع قومی پیش‌بینی شده‌است که البته در برخی موارد نیز با مدل‌ها و سیاست‌های سایر کشورها دارای نقاط اشتراک است. بر این اساس، پدیده تنوع قومی در ایران از جهاتی با پدیده‌های مشابه در جهان دارای شباهت‌ها و تفاوت‌هایی است که لازم است در عرصه سیاست‌گذاری بدان توجه شود (مقصودی & دربندی، ۱۳۹۱: ۱۵۹). شناخت صحیح و منطبق با واقعیت تنوع قومی در ایران، اولین گام برای سیاست‌گذاری تنوع قومی محسوب می‌شود زیرا که اگر تصویر درستی از تنوع قومی برای سیاست‌گذار ارائه نشود، هرگونه سیاست پیشنهادی برای مدیریت و بهره‌گیری از تنوع قومی در راستای تقویت هویت و همبستگی ملی نه تنها به نتیجه منجر نخواهد شد بلکه ممکن است خود

عاملی برای تضعیف هویت و همبستگی ملی شود (هوشنگی، سیدامامی، خانی، & کریمی مله، ۱۳۹۶: ۵۸).

ایران در طول تاریخ کشوری با ملتی متنوع از فرهنگ‌ها، مذاهب و زبان‌های مختلف بوده‌است و بسیاری از خاورشناسان، ایران را خاستگاه تنوع و چندگونگی دانسته‌اند. اما ویژگی‌های فرهیخته‌سازی و انطباق‌پذیری به‌عنوان دو عنصر مهم منش ملی ایرانیان به آنان این امکان را داده‌است که بتوانند فرهنگ‌های مهاجر و مهاجم به این سرزمین را هضم کرده و آن را به‌اقتضای شرایط و متناسب با فرهنگ خود درآورده و به آن رنگ و بو و ماهیتی ایرانی ببخشند (عباسی، مقصودی، & نادرپور، ۱۳۹۰: ۳۶). از همین‌روست که نظام فرهنگی و ساختار اجتماعی کشور در عین وحدت و یگانگی و برخورداری از پیوندی ارگانیک در قالب یک اجتماع فراگیر و پایدار توانسته‌است، تکثر و تنوع درونی خود را حفظ کرده و در طول قرن‌ها با پویایی و بالندگی استمرار یابد (هوشنگی & دیگران، ۱۳۹۶: ۴۵). البته این موضوع به توجه مدیریت سیاسی^۱ جوامع در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های اقتصادی - اجتماعی برای به‌رسمیت‌شناختن موجودیت گروه‌های قومی نیاز دارد. این سیاست‌ها نحوه مواجهه، برخورد و تعامل دولت‌ها و حکومت‌ها را با گروه‌های قومی و فرهنگی درون قلمروی سیاسی و جغرافیایی (سرزمینی) مشخص می‌سازد (حسابی، ۱۳۹۶: ۳۷۵).

مطالعه جوامع دارای تنوعات قومی از منظر جامعه‌شناسی سیاسی نیز نشان از قبض و بسط‌ها و تحولات سریع در همه امور دارد. علی‌القاعده از چنین جوامعی نمی‌توان انتظار داشت که همانند جوامع دارای یک‌پارچگی جمعیتی به ساماندهی امور بپردازند. بر جامعه و نظام سیاسی متحول‌شده ایران پس از انقلاب نیز چنین قاعده کلی حکمفرماست و در همه امور از جمله سیاست‌گذاری قومی جمهوری اسلامی این منوال مشاهده می‌شود. همین امر بررسی تاریخی سیاست‌گذاری قومی جمهوری اسلامی را ایجاب می‌کند (حق‌پناه، ۱۳۹۴: ۷۲).

نظام سیاسی در کشورهایی نظیر ایران که به‌لحاظ تنوع قومی و زبانی، جزو

^۱Political Mangement

۱۰ کشور نخست جهان به‌شمارمی‌آید (میرحیدر، ۱۳۹۴: ۳۲)، برای پایداری و بقا، به ایجاد حس همبستگی ملی در بین اقوام خود نیاز دارد. ازجمله اصلی‌ترین اقدام‌ها، تدوین و اجرای سیاست‌های قومی است که بتوان ازطریق آنها تعاملات و روابط مناسبی میان اقوام مختلف ازیک‌طرف و بین اقوام و حکومت ازطرف‌دیگر برقرار کرد. کشورهایی که گروه‌های قومی مختلف دارند بایستی در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌های متعدد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با اتخاذ سیاست‌های خاص مربوط به گروه‌های قومی و با احترام به تنوع آنان، درراستای ایجاد هم‌گرایی، یک‌پارچگی و حفظ تمامیت‌ارضی جامعه گام بردارند (قوشچی & پورنادری، ۱۳۹۳: ۷۰). برای مدیریت این تنوع لازم است سیاست‌گذاری مناسب و کارآمدی صورت گیرد. باتوجه به رویکرد امام‌خمینی^(ره) و مقام‌معلم‌رهبری و اسناد بالادستی مبنی بر فرصت‌بودن تنوع قومی ازیک‌سو و سابقه تاریخی بهره‌گیری نخبگان قومی و کشورهای معارض از بستر تنوع قومی برای فشار به حکومت‌های ایران در دوره معاصر؛ اهمیت سیاست‌گذاری صحیح در این حوزه دوچندان می‌شود. درواقع می‌توان با سیاست‌گذاری متناسب، به‌روز و کارآمد، علاوه بر فراهم‌ساختن امکان بهره‌گیری از فرصت تنوع اقوام برای توسعه همه‌جانبه کشور، هرگونه آسیب و تهدید ناشی از برنامه‌ها، سیاست‌ها و عملکرد دولت، نخبگان و دولت‌های خارجی برای وحدت و همبستگی ملی را به حداقل رساند (هوشنگی، سیدامامی، خانی، & کریمی مله، ۱۳۹۶: ۵۱).

براساس مقدمه مطرح‌شده توجه به دو محور فرایند سیاست‌گذاری و صورت‌بندی نسبتی اقتضایی با زیست‌بوم جامعه ایران جهت طراحی الگویی کارآمد از رابطه دولت-اقوام در جمهوری اسلامی ایران ضروری است. قومیت و مسائل آن ازجمله مقوله‌هایی است که به‌جهت ابعاد و آثار سیاسی-اجتماعی آن، نیازمند فهم، تحلیل، ارزیابی و سیاست‌گذاری است. این مسئله در جامعه ایران به‌جهت تنوع کم‌نظیر قومی ضرورت مضاعفی دارد. بعد از گذشت بیش از ۴۰ سال از پیروزی انقلاب اسلامی ایران؛ شاید یکی از عمده‌ترین مسائل ما در ارزیابی سیاست‌های نظام درقبال اقوام؛ خلأ و ضعف سیاست‌گذاری است چراکه

بدون سیاست‌گذاری عالمانه و متناسب، امکان ارزیابی سیاست‌های قومی و در نتیجه آسیب‌شناسی و ارائه نقاط قوت و ضعف و تلاش برای حل ضعف‌ها و ارتقای قوت‌ها وجود ندارد. لذا مهم‌ترین گام برای تحلیل و ارتقای سیاست‌های قومی در ابتدا سیاست‌گذاری صحیح و متناسب در این حوزه است؛ سیاستی که مبتنی بر پژوهش و مطالعه الگوهای مدیریت تنوع‌های قومی در دنیا و متناسب با شاخصه‌های جامعه ایران باشد.

این سیاست‌ها اگر به‌نحو احسن تدوین و اجرا شوند، سبب بهره‌برداری از توانایی‌ها و ظرفیت‌های فراوانی می‌شود که در قومیت‌های مختلف وجود دارد و اگر ضعف‌ها و ناسازگاری‌هایی دارد، می‌تواند منشأ واگرایی‌های قومی، کاهش همبستگی ملی و سایر پیامدهای نامناسب دیگر شود. وجود هویت‌های مختلف قومی در کشور از یک سو و اهمیت سیاست‌های مناسب برای تقویت آن برای همبستگی و انسجام اجتماعی در کشور، ضرورت توجه به مسئله را دوچندان می‌کند (محمودی، افضل، ذکی، & یزدان پناه، ۱۳۹۸: ۲۶۳).

۱. پیشینه تحقیق

در ارتباط با سیاست‌گذاری قومی در جمهوری اسلامی مطالعات مختلفی صورت گرفته از جمله (محمودی & همکاران، ۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «ارزیابی الگوهای سیاست‌گذاری و مدیریت قومی در ایران» به این نتیجه رسیدند که با پذیرش تنوع گروه‌های قومی به‌عنوان واقعیتی اجتماعی، تمامیت‌ارزی حفظ و هم‌گرایی و یک‌پارچگی ایجاد می‌شود (ابطحی، الیاسی، & مصطفی نژاد، ۱۳۸۹). در پژوهشی با عنوان «الگویی برای مدیریت انتظامی بحران‌های قومی ایران (مطالعه موردی قوم کرد)» نشان دادند که اولاً: هریک از عوامل سیاسی، فرهنگی، روانی و ... سهم معناداری در تبیین تمایلات واگرایانه اقوام دارند. ثانیاً: با افزایش واگرایی آمادگی آنان برای دست یازیدن به کنش‌های بحران‌آمیز افزوده می‌شود. ثالثاً: به باور متخصصان، با بهره‌گیری روشمند از سازوکارهای روانی، فرهنگی و ... می‌توان زمینه‌های بروز و پدیدآیی بحران در مناطق قومی را از میان راند. رابعاً: تحلیل نظرات مسئولین و کارشناسان آشکار ساخت که عوامل فرهنگی بیشترین

تأثیر را بر مدیریت بحران و انتخاب سیاست مناسب برای حل مسائل قومی دارند (هوشنگی & اصلی پور، ۱۳۹۷). نیز در پژوهشی با عنوان «تیین اهداف راهبردی و سیاست‌های مدیریت تنوع قومی در جمهوری اسلامی ایران» نشان دادند که سیاست‌های عمومی نظیر تمرکززدایی در سیاست‌گذاری، کادرسازی از میان اقوام، تقویت نظارت بر دستگاه‌های متولی و اعمال تبعیض مثبت به نفع اقوام در بهبود آسیب‌های وضع موجود و تحقق اهداف راهبردی مدیریت تنوع قومی به‌ویژه محتوای اسناد بالادستی و قانون اساسی کشور تأثیرگذار است (رحیمی، ۱۳۹۶).

در پژوهشی با عنوان «استراتژی‌های ملت‌سازی و توسعه ناموزون در ایران» به این نتیجه رسیدند که که ازمیان مؤلفه‌ها و عناصر استراتژی ملت‌سازی در دوره‌های پهلوی و جمهوری اسلامی، عناصر مشترک مهمی مانند تمرکزگرایی سیاسی و اقتصادی و سیاست اصلاحات از بالا در ایجاد توسعه نامتوازن مؤثر بوده‌اند. پژوهش (یوسفی جویباری، صیدی محمدی، & فتاحی، ۱۳۹۱) با عنوان «نابرابری‌های قومی و امنیت ملی» نشان داد که مشارکت سیاسی اقوام باعث افزایش درک سیاسی، مسئولیت‌پذیری و تقویت حس تعهد آنان نسبت به حکومت می‌شود (صفوی & علی پور، ۱۳۹۰). نیز در پژوهشی با عنوان «عوامل و ریشه‌های بحران قومی در ایران پس از انقلاب اسلامی (مطالعه موردی: کردستان)» به این نتیجه رسیدند که مهم‌ترین عوامل بروز بحران قومی در کردستان به‌ترتیب عبارت بودند از: نقش نخبگان، دخالت نیروهای خارجی و شرایط خاص دوران گذار. به‌لحاظ مؤلفه‌های چهارگانه به‌ترتیب عبارتند از: مؤلفه‌های سیاسی امنیتی، اجتماعی و فرهنگی، جغرافیایی طبیعی و درنهایت مؤلفه‌های اقتصادی. (Bluhm & Thomsson, 2020) در پژوهشی با عنوان «تقسیمات قومی، نهادهای سیاسی و مدت زمان رکود اقتصادی» نشان دادند کشورهایی که مدیران سیاسی (دارای گرایش‌های سیاسی) محدودتری دارند، رکود اقتصادی کمتری را تجربه می‌کنند. این اثر در کشورهای ناهمگن قومی بسیار زیاد است اما در جوامع همگن تقریباً وجود ندارد. همچنین پژوهش (Galandini & Fieldhouse, 2019) با عنوان «بحث و

گفتگو درمورد بسیج: قومیت، شبکه‌های بحث و گفتگو سیاسی و مشارکت رای‌دهندگان در انگلیس» نشان داد که برای انگلیس سفید، مباحث مشترک قومی از ارزش بسیج بیشتری نسبت به ارزش آن برای آسیایی‌ها و سایر اقوام برخوردار است. به‌طور کلی ارزش بسیج بحث و گفتگوها بدون در نظر گرفتن قومیت یک شهروند، تأثیر مثبتی روی مشارکت دارد. (Zhanarstanova & Nechayeva, 2016) در پژوهشی با عنوان «اصول معاصر بازنمایی سیاسی گروه‌های قومی» به این نتیجه رسیدند که اصول مناسب برای یک کشور، برای کشور دیگر نادرست است. به‌همین دلیل در هر صورت باید ویژگی دولت، ذهنیت مردم آن، تاریخ و سایر عوامل مورد توجه قرار گیرد.

با توجه به اینکه پژوهش حاضر بخش کمی یک پژوهش کیفی (مصاحبه با خبرگان حوزه مطالعات قومی) با روش گرندتئوری یا داده‌بنیاد است بنابراین ضمن توجه به ادبیات و پیشینه مطالعات سیاست‌گذاری قومی و الگوی‌های مدیریت اقوام؛ فاقد فرضیه پیشینی است و با یک نگاه جدید به دنبال فهم و جمع‌آوری مجموعه نظرات دانشجویان ساکن مناطق قومی و در حال تحصیل در دانشگاه امام صادق (ع) و واحد علوم و تحقیقات از نظرگاه‌های متفاوت است. توضیح اینکه در توزیع پرسش‌نامه‌ها سعی شد به دانشجویانی با منظرهای فکری، رده سنی، مقاطع تحصیلی و جایگاه‌های شغلی متفاوت مراجعه شود. این تلاش به همین نسبت خود را در داده‌های به دست آمده از پرسشنامه‌ها نشان داد. به نحوی که در نهایت با مجموعه‌ای از داده‌های به ظاهر متضاد مواجه شدیم که البته جمع این داده‌ها در کنار هم نوعی مزیت برای این پژوهش می‌باشد. به عنوان مثال مؤلفه‌هایی مانند «هویت ملی»، «هویت دینی»، «شهروندمحوری»، «عدالت‌محوری»، «شیعه‌محوری»، «تکثرگرایی» و «هماندسازی» در مجموع بیشتر از بقیه مؤلفه‌ها مورد تأکید بودند. بنابراین این پژوهش ادعا دارد به جهت روش خاص آن و مراجعه به طیف متنوعی از دانشجویان ساکن مناطق قومی و با اتکا به مصاحبه با خبرگان حوزه اقوام واجد ویژگی جامع‌نگری است و الگوی برآمده از آن به جهت این شاخصه به میزان زیادی مطلوب و کارآمد است.

۲. سؤالات پژوهش

سؤال اصلی:

الگوی مطلوب سیاست‌گذاری قومی در جمهوری اسلامی ایران چگونه الگویی است؟

سؤالات فرعی:

۱. مؤلفه‌های مؤثر بر سیاست‌گذاری قومی در جمهوری اسلامی ایران کدامند؟

۲. شرایط مداخله‌گر در سیاست‌گذاری قومی مطلوب چه تأثیری بر مقوله محوری آن دارد؟

۳. راهبردها چه تأثیری بر پیامدها دارد؟

۴. مقوله محوری چه تأثیری بر راهبردها دارد؟

۵. بسترها چه تأثیری بر مقوله محوری دارد؟

۶. مقوله علی چه تأثیری بر مقوله محوری دارد؟

محقق در این پژوهش تلاش کرده‌است تا ضمن توجه به ادبیات پژوهش‌های قومی، با یک رویکرد جامع‌نگر مبتنی بر داده‌های به‌دست‌آمده از مجموع پرسش‌نامه‌ها و طبقه‌بندی مؤلفه‌های مطرح‌شده به مؤلفه‌های اصلی و فرعی؛ با ترکیب و صورت‌بندی نسبتی معنادار میان مؤلفه‌ها به پاسخ سؤالات پژوهش دست یابد. به‌نحوی که ضمن ارائه الگوی مطلوب برای مدیریت تنوع قومی و سیاست‌گذاری قومی در جمهوری اسلامی ایران (پاسخ سؤال اصلی) به تبیین مؤلفه‌های مؤثر بر سیاست‌گذاری قومی در جمهوری اسلامی ایران و تأثیر مقولات شش‌گانه روش‌گراند تئوری بر همدیگر (پاسخ سؤالات فرعی) بپردازد.

۳. چارچوب نظری و تعریف مفاهیم

وجود تنوع فرهنگی واقعی دیرپا و کهن است و عمری به اندازه حیات اجتماعی بشر دارد. در مواجهه با تکثر و تنوع فرهنگی به‌عنوان یک پدیده عام و جهان‌شمول، دو دسته کلی نظریات شکل گرفت. دیدگاهی که تعدد را به‌عنوان

یک واقعیت می‌پذیرد و دیدگاهی که گام را فراتر نهاده و تعدد را نه تنها واقعیت بلکه ارزش می‌داند. دیدگاه اول بیشتر منشأ نظریه‌هایی است که از سیاست‌گذاری‌های همانندساز جانبداری می‌کند درحالی‌که رویکرد دوم سعی دارد سیاست‌های معطوف به تکثر و چندفرهنگی را طراحی کند (کریمی مله، ۱۳۹۰: ۵۶). امروزه در ادبیات سیاسی اجتماعی، از دو مدل یا الگوی عمده سیاست‌گذاری قومی و فرهنگی بحث به میان آمده است که عبارتند از: مدل همانندسازی و مدل تکثرگرایی. هریک از این مدل‌ها در درون خود به اجزا و انواع کوچک‌تری تقسیم می‌شوند (صالحی امیری، ۱۳۸۵: ۴۲).

همانندسازی^۱ (یک شکلی فرهنگی^۲ یا سیاست یک‌رنگی فرهنگی)

این مفهوم در جامعه‌شناسی به معنای فرآیند پذیرش ارزش‌ها، الگوها و سبک زندگی گروه برتر توسط اقوام و گروه‌هایی از جامعه به‌ترتیبی که در بطن گروه برتر جذب و هضم شوند، به‌کاررفته است (مجتهدزاده، ۱۳۸۷: ۳۲). در این مدل، همانندسازی ایده‌آل یا غایتی منسجم‌ساز تلقی می‌شود که سیاست‌های دولت و ایدئولوژی‌ها براساس آن شکل گرفته و ترکیبی زیست‌شناختی، فرهنگی، اجتماعی و روانی از گروه‌های قومی متمایز و منفرد به‌منظور ایجاد یک جامعه بدون تفاوت قومی به‌وجودمی‌آید (صالحی امیری، ۱۳۸۹: ۸۵)، به‌گونه‌ای که درنهایت نوعی هضم و درهم‌آمیختگی حاصل می‌شود و دیگر نمی‌توان برای فرهنگ قومی همانندشده، فرهنگ گذشته را بازشناسی کرد. به عبارت دقیق‌تر یکی از گروه‌های قومی، مجذوب و مغلوب فرهنگ قوم دیگری شده و خواسته یا ناخواسته در آن هضم و جذب‌شده است (گودرزی، ۱۳۸۵: ۲۲).

همانندسازی فرایند تقلیل خط تمایزات قومی است و زمانی رخ می‌دهد که اعضای دو یا چند جامعه، گروه نژادی یا گروه اجتماعی کوچک با یکدیگر همسان می‌شوند. هدف سیاست‌های همانندسازی عبارت است از: ترکیب زیست‌شناسی، فرهنگی، اجتماعی و روانی گروه‌های متمایز و منفرد به‌منظور ایجاد

^۱Assimilation

^۲Cultural Uniformity

یک جامعه بدون تفاوت‌های قومی. همانندسازی قومی عموماً بر دو بعد فرهنگی و ساختاری استوار است (جهانگیرزاده، ۱۳۹۰: ۹۵). گوردون^۱ مراحل جذب گروه‌ها و همگون‌سازی اقوام با هسته مرکزی جامعه را در دو بعد فرهنگی و ساختاری، طی هفت مرحله می‌داند: ۱. همانندسازی فرهنگی ۲. همانندسازی ساختاری ۳. همانندسازی مادی ۴. همانندسازی هویتی ۵. همانندسازی ایستاری (بینشی) ۶. همانندسازی رفتاری و ۷. همانندسازی مدنی (صالحی‌امیری، ۱۳۸۹: ۸۲)

تکثرگرایی

دیدگاه تکثرگرایی، دیدگاهی است که سازمان‌دهی پیکر سیاسی یک کشور را به‌نحوی مطلوب می‌داند که در آن هر خانواده فکری - عقیدتی، هم امکان و وسایل حراست از ارزش‌های خاص خود را دارا باشد و هم آنکه به احقاق حقوق خود نائل آید و زمینه لازم جهت مشارکت فعالانه در صحنه‌های سیاسی را به‌دست‌آورد. تحقق چنین نظامی متضمن پذیرش نوعی بی‌طرفی از جانب قدرت حاکم و مشارکت نهادها و گروه‌های موجود در جهت اعتلای مصالح عمومی است. به عبارت دیگر، در جامعه کثرت‌گرا، تمامی گروه‌های فرهنگی و قومی پذیرفته شده و از طریق مشارکت و همزیستی درعین حفظ ویژگی‌های خود به یک نظام اجتماعی و سیاسی ملحق شده‌اند. براین اساس از دیدگاه کلی، تکثرگرایی قومی نقطه مقابل همانندسازی است. تکثرگرایی نیز مانند همانندسازی دارای ابعاد و اشکال متفاوتی است اما در همه موارد آن، حفظ تفاوت‌های موجود میان گروه‌های قومی مفروض دانسته می‌شود (Cashmore, 1996:36).

در پژوهش حاضر سعی داریم ضمن توجه به چارچوب‌های نظری حوزه سیاست‌گذاری قومی، ویژگی‌های متمایز اقوام ایرانی، اقتضائات جامعه و جغرافیای ایران و روح حاکم بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ به بررسی مهم‌ترین مؤلفه‌های اثرگذار در سیاست‌گذاری قومی در جمهوری اسلامی ایران بپردازیم. درنهایت با صورت‌بندی و ایجاد نسبتی معنادار میان این مؤلفه‌ها به

^۱Gordon

الگوی مطلوب و کارآمد برسیم. در این راهبرد ضمن تأکید بر اشتراکات فرهنگی همه ایرانیان، امکان تکثر خرده فرهنگ‌های مختلف به رسمیت شناخته می‌شود. بارزترین مورد در این حوزه که به حقوق خاص قومی اشاره دارد، مسئله آزادی فرهنگ و زبان قومی است که در این خصوص می‌توان به اصول ۱۵، ۱۹، ۲۰، ۲۶ و ۲۹ اشاره کرد (عباسی، مقصودی، & نادرپور، ۱۳۹۰: ۵۳). از سوی دیگر از آنجا که انسجام و یکپارچگی ملی به عنوان اصلی اساسی در این پژوهش بود، بنابراین تلاش شد محتوا و شکل سیاست‌های قومی به گونه‌ای طراحی شود که نه تنها در تعارض با این اصل قرار نگیرد بلکه با حفظ خرده فرهنگ‌ها و تفاوت‌های قومی و تأمین عادلانه حقوق اقوام در ابعاد مختلف، باعث تقویت هویت ملی و انسجام اجتماعی شود. البته این راهبرد، زمانی می‌تواند کارآمد و اثربخش باشد که از حالت نظری صرف بیرون آمده و در قالب یک مدل جامع؛ طراحی، اجرا و سپس مورد ارزیابی و تکمیل قرارگیرد.

۳-۱. سیاست گذاری

سیاست گذاری دربرگیرنده برنامه‌هایی سیاسی به منظور دستیابی به اهداف اجتماعی است. درواقع، سیاست گذاری منعکس کننده فعالیت‌های حکومت و مقاصدی است که برانگیزاننده حکومت برای اقدام جهت انجام دادن یا کنار گذاشتن اموری است که مستقیماً بر زندگی شهروندان تأثیر می‌گذارد (Cashmore, 1996:21; Dunn n. , 2012:15).

۳-۲. قوم / قومیت

ماکس وبر معتقد است که گروه‌های قومی، گروه‌های انسانی دارای باوری ذهنی به اجداد مشترک هستند؛ باوری که دلیل آن می‌تواند شباهت‌های فیزیکی، شباهت در رسوم، حافظه و خاطرات مشترکی باشد که با یکدیگر در کوچ و سکونت داشته‌اند. فردریک بارت نیز درباره قوم چنین می‌گوید: واژه گروه قومی در ادبیات انسان‌شناسی معمولاً به جمعیتی اطلاق می‌شود که دارای خودمختاری زیادی در بازتولید زیستی خود باشد، ارزش‌های فرهنگی بنیادین مشترکی داشته باشد که

درون اشکال فرهنگی با وحدت آشکاری گرد هم آمده باشند و یک میدان ارتباطی و کنش متقابل بسازند، دارای یک احساس تعلق به یک واقعیت بیرونی باشند که آنها را از دیگران تفکیک کند (مهری، یزدخواستی، & پناهی، ۱۳۹۳: ۷۹).

۳-۳. سیاست قومی

رهیافت سیاست قومی، بر شناخت انگیزه‌ها و مقاصد رهبران و دولت‌مردان در قبال گروه‌های قومی و سیاست‌هایی تأکید دارد که در جستجوی مقاصد سیاسی در کشور وضع می‌کنند و از این راه بر روند سیاست‌گذاری خارجی دولت‌مردان تأثیر می‌نهند. براین اساس، آنان در راستای حفظ وضعیت خود، مسئله هویت قومی را به‌منزله تهدید با فرصت‌های موثر در نظر می‌گیرند. در چنین فرایندی، سیاست قومی پوششی خطیر است که طی آن رهبران سیاسی را به مدیریت مسائل و چالش‌های قومی با جلب حمایت گروه‌های قومی و جلوگیری از اتحاد و همراهی آنان با مخالفان داخلی و خارجی وادار می‌کند و دامنه تحقق این اهداف را به سیاست خارجی نیز می‌کشاند (حیدری، ۱۳۹۱: ۱۳).

۳-۴. سیاست‌گذاری قومی

مجموعه سیاست‌هایی است که از طریق آن می‌توان تعاملات و روابط میان اقوام و دولت و مجموعه حاکمیت از یک‌سو و روابط میان اقوام با یکدیگر و با بدنه جامعه ملی از سوی دیگر را تنظیم و تحت‌قاعده و نظم درآورد و متناسب و همسو با سایر سیاست‌های کلان موجود تغییر داد (محمودی، افضل‌ی، ذکی، & یزدان پناه، ۱۳۹۸: ۲۶۳).

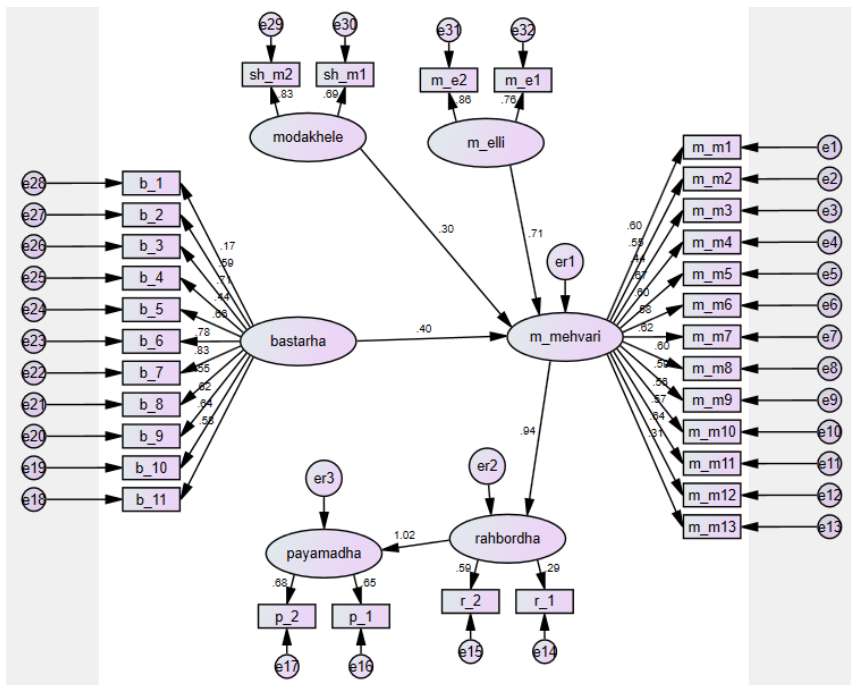
۴. روش تحقیق

پیش از توضیح پیرامون روش تحقیق؛ ذکر این نکته ضروری است که پژوهش کمی حاضر به‌نوعی مکمل یک پژوهش کیفی با رویکرد داده‌بنیاد است که براساس مصاحبه با ۱۵ نفر از خبرگان حوزه مطالعات قومی انجام گرفته و پرسش‌نامه پژوهش کمی حاضر پس از اتمام پژوهش کیفی و مبتنی بر آن طراحی و ساماندهی شده‌است. بنابراین قبل از اینکه این پژوهش با روش معادلات

ساختاری و نرم‌افزار Amos موردبررسی قرارگیرد، با روش کیفی از نوع گرندتئوری مدلی استخراج شد که در پژوهش حاضر موردآزمون قرارگرفت. روش پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و روش اجرا توصیفی از نوع پیمایشی بود. جامعه آماری پژوهش شامل دانشجویهای ساکن مناطق قومی و درحال تحصیل در مقطع کارشناسی تا دکتری دانشگاه امام‌صادق^(ع) و دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات به تعداد ۸۵۰ نفر بودند که براساس جدول مورگان ۲۶۵ نفر به عنوان نمونه آماری به صورت تصادفی ساده انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات شامل پرسش‌نامه‌ای بود که در دو قسمت جمعیت‌شناختی و پرسش‌نامه اصلی تحقیق آورده شد. این پرسش‌نامه به صورت محقق ساخته و دارای ۶ مولفه و ۷۹ سوال بود که براساس طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت (خیلی زیاد: ۵ تا خیلی کم: ۱) نمره‌گذاری شده بود. برای روایی پرسش‌نامه تحقیق حاضر نظرات ۱۵ تا ۲۰ استاد سنجیده شد که نتایج نشان داد، مقدار CVR محاسبه شده برای تک تک سؤالات از معیار قابل قبول (۰/۴۵) بیشتر است، پس تمام سؤالات از روایی کافی برخوردار است. باتوجه به اینکه آلفای کرونباخ ۰/۹۴ به دست آمده، پایایی پرسش‌نامه نیز مورد تأیید قرارگرفت. همچنین برای تجزیه و تحلیل فرضیات نیز از روش معادلات ساختاری و نرم‌افزار Amos استفاده شد.

۵. یافته‌های پژوهش

باتوجه به نتایج به دست آمده مشخص شد، ۵۹٪ از پاسخ‌گویان، مرد و ۴۱٪ زن بوده‌اند؛ از نظر رده سنی نیز ۱۳۷ نفر یعنی ۵۲٪ زیر ۲۵ سال، ۱۰۹ نفر یعنی ۴۱٪ بین ۲۵-۳۵ سال و ۱۹ نفر یعنی ۷٪ بین ۳۵-۴۵ سال بودند. از نظر تحصیلات ۴۰٪ در مقطع کارشناسی، ۴۷٪ مقطع کارشناسی‌ارشد و ۱۳٪ در مقطع دکتری بودند. در ادامه این بخش، مدل تحلیلی طراحی شده پژوهش، توسط نرم‌افزار Amos موردبررسی و سنجش قرار می‌گیرد و ضمن ارائه خروجی مدل از این نرم‌افزار، به بیان معیارهای مطلوبیت این مدل براساس داده‌های به دست آمده می‌پردازیم:



شکل ۱. ضرایب استاندارد متغیرهای تحقیق در مدل اندازه‌گیری

در جدول زیر مقادیر شاخص نیکویی برازش^۱، شاخص برازش نرم‌دار^۲، شاخص برازش نسبی^۳، شاخص برازش نموی^۴، شاخص برازش تطبیقی^۵ برای مدل شکل ۱ بیان شده‌است. همه این شاخص‌ها دارای دامنه تغییرات ۰ تا ۱ هستند که هرچه این شاخص‌ها به عدد ۱ نزدیک‌تر باشند، نشان از مطلوبیت مدل دارد. مقادیر بزرگ‌تر از ۰/۹ به‌عنوان معیار برازش بسیارخوب مدل در نظر گرفته می‌شود. شاخص نیکویی برازش اندازه‌ای از مقدار نسبی واریانس و کوواریانس در ماتریس واریانس- کوواریانس داده‌های نمونه است که به‌طور مداوم به‌وسیله ماتریس

۱GFI (Goodness of Fit Index)

۲NFI (Normed Fit Index)

۳RFI (Relative Fit Index)

۴IFI (Incremental Fit Index)

۵CFI (Comparative Fit Index)

واریانس - کوواریانس مدل توصیف می‌شود. شاخص برازش نرم‌دار یا هنجار به ناچیزانگاشتن برازش در نمونه‌های کوچک تمایل دارد و همراه با شاخص برازش تطبیقی از مقایسه مدل فرضی با مدل مستقل به‌دست می‌آید. شاخص برازش نسبی مشتق شاخص نیکویی برازش را با هردوی شاخص نیکویی برازش و شاخص برازش تطبیقی نشان می‌دهد که حاکی از برازش برتر است. شاخص برازش نموی برای پرداختن به موضوعات مقتصد و اندازه نمونه که در رابطه با شاخص نیکویی برازش هستند، تهیه شده است که محاسبات این شاخص مشابه محاسبات شاخص نیکویی برازش است با این تفاوت که برای این شاخص درجات آزادی هم محاسبه می‌شود (فربد، ۱۳۹۳: ۶۳).

جدول ۱. شاخص‌های برازش مدل اندازه‌گیری

عنوان شاخص	مقدار به دست آمده
GFI	۰,۷۱۶
NFI	۰,۷۴۱
RFI	۰,۷۰۴
IFI	۰,۷۸۶
CFI	۰,۷۸۳

جدول ۱ نشان می‌دهد که تحلیل عاملی تأییدی سازه‌های پرسش‌نامه دارای برازش نسبتاً مناسبی است زیرا مقادیر شاخص‌ها هرچند بیش از ۰,۹ نشده است اما به عدد ۱ نزدیک هستند. در نتیجه سازه‌های پرسش‌نامه به میزان نسبتاً خوبی متغیرهای مربوطه را نشان می‌دهند. همچنین در ادامه شاخص نیکویی برازش کای دو نیز برای مدل این پژوهش ارائه شده است:

جدول ۲. شاخص کای دو برازش مدل اندازه‌گیری

عنوان شاخص	نسبت مقدار کای دو بر درجه آزادی	مقدار معناداری
کای دو	۵,۹	۰,۰۰۰

طبق این شاخص، بایستی نسبت آماره کای دو بر درجه آزادی در بازه عددی ۱ تا

۳ قرار گیرد و مقدار معناداری نیز کمتر از ۰,۰۵ شود؛ تا به این نتیجه دست یافت که برازش مدل در حد بسیار مطلوبی قرار دارد. برای مدل این پژوهش، طبق داده‌های به دست آمده از دانشجویان دانشگاه امام صادق (ع) و واحد علوم و تحقیقات، نسبت آماره کای دو بر درجه آزادی برابر با ۵,۹ به دست آمده است که در محدوده عددی ۱ تا ۳ قرار ندارد اما مقدار معناداری آن برابر با ۰ شده که کمتر از ۰,۰۵ است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که برازش مدل مذکور در حد نسبتاً مطلوبی قرار داشته است. زیرا بر اساس مقدار معناداری آزمون کای دو، معنادار بودن این مدل مورد پذیرش واقع شده است.

حال باتوجه به روابط بین متغیرهای این مدل که در شکل ۱ نیز به نمایش درآمده است، نتایج زیر را می‌توان ارائه کرد. لازم به ذکر است که تأثیرات ذکر شده در جدول زیر، همگی معنادار هستند زیرا مقدار معناداری برای همه این تأثیرها کمتر از ۰,۰۰۱ شده که از ۰,۰۵ نیز کمتر است. همچنین مقادیر کوچک خطاهای استاندارد نیز حاکی از دقت خوب ضرایب رگرسیونی به دست آمده است.

جدول ۳. رابطه بین متغیرهای مدل

روابط بین متغیرها	ضریب رگرسیونی	خطای استاندارد	مقدار معناداری
تأثیر شرایط مداخله‌گر بر مقوله محوری	۰,۳۰۲	۰,۰۵۱	کمتر از ۰,۰۰۱
تأثیر راهبردها بر پیامدها	۱,۰۲۲	۰,۶۲۴	کمتر از ۰,۰۰۱
تأثیر مقوله محوری بر راهبردها	۰,۹۴۴	۰,۰۸۹۱	کمتر از ۰,۰۰۱
تأثیر بسترها بر مقوله محوری	۰,۴۰۱	۰,۰۷۲	کمتر از ۰,۰۰۱
تأثیر مقوله علی بر مقوله محوری	۰,۷۰۶	۰,۰۶۳	کمتر از ۰,۰۰۱

باتوجه به یافته‌های پژوهش حاضر، مدل مناسب سیاست‌گذاری قومی در جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر مقوله‌های شش‌گانه رویکرد گراند تئوری به شکل زیر است.

مثبت:

تاکید بر انسجام ملی (هویت ملی) مبتنی بر اشتراکات اقوام، تاکید بر دو مؤلفه هویتی ملی و دینی (ایران و اسلام)

منفی:

حوادث غیرمترقبه، مشکلات اقتصادی و فرهنگی، رفتار نخبگان قومی، مداخلات خارجی، ضعف رسانه‌ای، ضعف امنیت ملی، اشتباهات متولیان حوزه اقوام، عدم انسجام ملی، بسیج پذیری اقوام

شرایط مداخله‌گر



بسترها

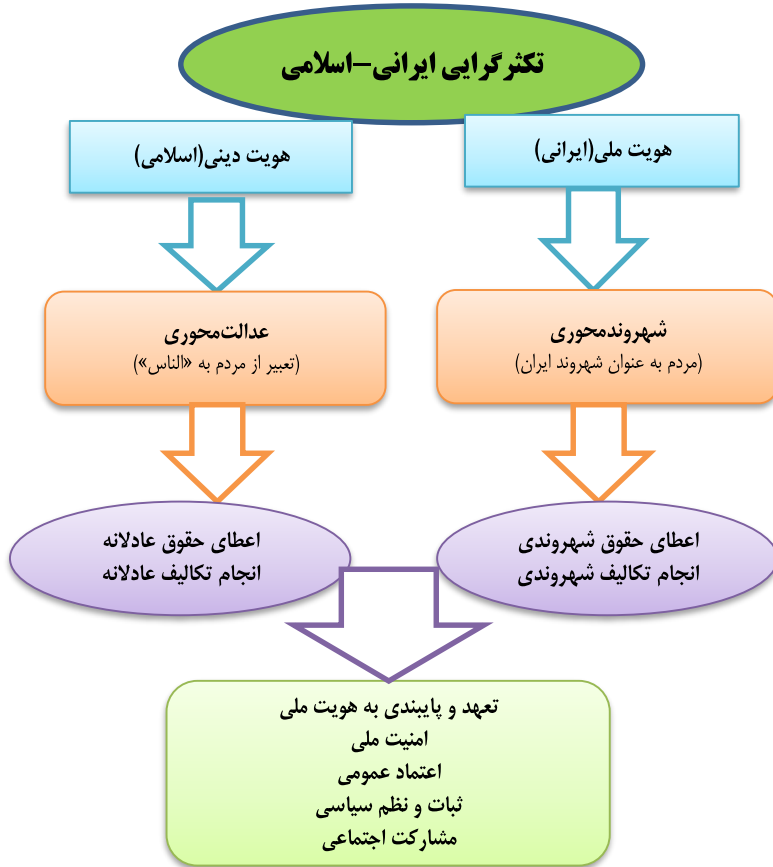
تاریخ، فرهنگ و تمدن مشترک، وجود قوانین، ظرفیت رسانه ملی، اشتراکات دینی-ملی، وجود نهادها و متخصصان حوزه اقوام، توان اقتصادی مناطق مختلف قومی، ثبات سیاسی داخلی، امنیت ملی و فراملی، جغرافیای متنوع، تعاملات گسترده اقوام با یکدیگر، مشارکت سیاسی اقوام

شکل ۲. طراحی مدل مطلوب سیاست‌گذاری قومی مطلوب در جمهوری اسلامی ایران

بنابراین شرایط مداخله‌گر مثبت (تاکید بر انسجام ملی (هویت ملی) مبتنی بر اشتراکات اقوام، تأکید بر دو مؤلفه هویتی ملی و دینی (ایران و اسلام)) و شرایط مداخله‌گر منفی (حوادث غیرمترقبه، مشکلات اقتصادی و فرهنگی، رفتار نخبگان قومی، مداخلات خارجی، ضعف رسانه‌ای، ضعف امنیت ملی، اشتباهات متولیان حوزه اقوام، عدم انسجام ملی، بسیج‌پذیری اقوام) بر مقوله محوری که عبارتند از: تقویت اقتصاد، عدالت‌محوری، توجه به تاریخ و فرهنگ ایرانی، تقویت هویت ملی مبتنی بر تنوع قومی، شهروندمحوری، قانون‌گذاری در حوزه اقوام، توجه به بازیگران خارجی، نگاه کارشناسانه و پژوهش‌محور به حوزه اقوام، ارائه مدل بومی، توجه به مبانی دینی، توجه به جغرافیا و ژئوپلیتیک ایران، وجود متون و نظریات سیاست‌گذاری و تأکید بر نحوه سیاست‌گذاری‌ها تأثیر معناداری دارد؛ مقوله محوری بر راهبردها یعنی راهبردهای فرهنگی (سیاست‌گذاری دانش‌بنیان، پژوهش‌محوری، تأسیس نهادهای متولی حوزه اقوام، تقویت هویت ملی، شهروندمحوری، توجه به تاریخ مشترک ایرانیان، ایجاد ذهنیت مثبت نسبت به اقوام، استفاده از ظرفیت فرهنگی اقوام) و راهبردهای اقتصادی، سیاسی و امنیتی (توسعه متوازن ملی، بازتوزیع منصفانه منابع در مناطق قومی، قانون‌گذاری، مشارکت‌گرایی ملی، آینده‌پژوهی و آسیب‌شناسی گذشته، بومی‌سازی سیاست‌گذاری‌ها، اصلاح برخی سیاست‌های قومی خصوصاً بومی‌گرایی، کلان‌نگری به حوزه اقوام، تدوین سیاست‌گذاری‌ها مبتنی بر مسائل و نیاز اقوام، توجه به امنیت داخلی و خارجی، استفاده از نخبگان و اجماع نظرات آنها و همچنین توجه به زمان و فرایند (تقنین، اجرا، نظارت، بازخورد و اصلاح) سیاست‌گذاری‌ها تأثیر معناداری دارد؛ راهبردها بر پیامدها یعنی پیامدهای اقتصادی- فرهنگی (پویایی اقتصاد ملی، تسریع توسعه کشور، پویایی فرهنگی، تقویت هویت ملی و کسب منزلت بین‌المللی و الگوشدن) و پیامدهای سیاسی- امنیتی (تقویت مشروعیت حکومت، تقویت ثبات سیاسی، تقویت امنیت ملی، بهبود روابط قومی و کاهش تهدیدات داخلی و خارجی، تقویت رضایتمندی عمومی، ارتقای مشارکت‌گرایی، افزایش سرمایه اجتماعی و تقویت انسجام ملی) تأثیر معناداری دارد؛ بسترها که

عبارتند از: تاریخ، فرهنگ و تمدن مشترک، وجود قوانین، کارآمدی رسانه ملی، اشتراکات دینی_ملی، وجود نهادها و متخصصان حوزه اقوام، توان اقتصادی مناطق مختلف قومی، ثبات سیاسی داخلی، امنیت ملی و فراملی، جغرافیای متنوع، تعاملات گسترده اقوام با یکدیگر و مشارکت سیاسی اقوام بر مقوله محوری تاثیر معناداری دارد و مقوله علّی یعنی مقوله فرهنگی (تقویت هویت ملی، پژوهش محوری، شهروندمحوری، توجه به تاریخ و فرهنگ مشترک، جهانی شدن و نهادسازی در حوزه اقوام) و مقوله سیاسی-امنیتی (توجه به اجماع نخبگان در سیاست گذاری، توجه به جغرافیا و ژئوپلیتیک ایران، محتوای متناسب سیاست ها، مشارکت گرایی اقوام، توجه به فرایند (تقنین، اجرا، نظارت، بازخورد و اصلاح) سیاست گذاری، توجه به تنوعات قومی در سیاست گذاری، مدیریت تحرکات درون مرزی و برون مرزی و عمومی کردن سیاست ها) بر مقوله محوری تاثیر معناداری دارند.

باتوجه به اینکه ۴ مؤلفه هویت ملی، هویت دینی، شهروندمحوری و عدالت محوری که جزو مقولات محوری این پژوهش محسوب می شوند؛ مورد تأکید اغلب دانشجویان بود و بیشترین تکرار را در پاسخ نامه ها داشت بنابراین مؤلفه هویت ملی_دینی با تأکید بر شهروندمحوری و عدالت محوری به عنوان مقوله هسته نهایی انتخاب شد. در نهایت الگوی مطلوب سیاست گذاری قومی در جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر چهار مؤلفه هویت ملی، هویت دینی، شهروندمحوری و عدالت محوری و با صورت بندی ارتباطی معنادار و کارآمد میان این مؤلفه ها ارائه شد.



شکل ۳. چارچوب الگوی «تکثرگرایی ایرانی-اسلامی»

در این الگو عموم مردم به عنوان شهروندان ایران دارای حقوق و تکالیف شهروندی هستند. طرح مفهوم شهروندمحوری ذیل مؤلفه هویت ملی درنهایت به تبیین و اعطای حقوق شهروندان ازسوی حکومت و نیز انجام تکالیف شهروندان درقبال حاکمیت می انجامد. ازسوی دیگر طرح مفهوم عدالت محوری ذیل مؤلفه هویت دینی درنهایت به برقراری عدالت و تبیین و اعطای حقوق الناس ازسوی حکومت اسلامی و نیز انجام تکالیف مردم درقبال حکومت عدالت محور می انجامد. این رابطه و نسبت میان حکومت اسلامی و مردم و به تعبیر دیگر میان

حکومت و شهروندان باعث ثبات و نظم سیاسی، امنیت ملی، حس تعهد و پابندی به حکومت اسلامی و هویت ملی-دینی، اعتماد عمومی و مشارکت اجتماعی می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

در حوزه سیاست‌گذاری، ضعف‌ها به‌طور بالقوه می‌تواند منشأ بروز تنش‌های زودگذر یا شکل‌گیری تنش‌های واگرا با پیامدهای درازمدت برای امنیت ملی باشد، بنابراین نیاز است سیاست‌گذاری منسجمی در حوزه اقوام ایرانی انجام پذیرد و مدیریت سیاسی جامعه در برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و انسانی به‌گونه‌ای عمل کند که ضمن ایجاد هم‌گرایی اجتماعی و فرهنگی در میان گروه‌های قومی جامعه، تنوع و تعدد آنها را نیز حفظ کند. با توجه به وضعیت اقوام در کشور باید سیاست‌های قومی متفاوت براساس علایق و زمینه‌های جغرافیایی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی مدنظر باشد و سیاستی اتخاذ شود که با خواست‌های قومی متناسب باشد. بنابراین، آن دسته سیاست‌های قومی که بتواند زمینه‌های بروز نارضایتی و طرح خواسته‌های جدایی‌طلبانه قومی را کاهش دهد و نخبگان قومی را در قدرت سهیم کند، قطعاً در جلوگیری از بروز تنش‌های قومی مؤثر خواهد بود. البته به نظر می‌رسد آنچه در این پژوهش دنبال آن هستیم، در متن و اصول کلی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و در مفاهیمی چون شهروندمحوری و عدالت‌محوری که از شاخصه‌های مؤلفه‌های هویتی ایرانی-اسلامی هستند، مشهود و مورد تأکید است اما اجرای همان اصول، نیازمند انجام پژوهش‌های جزئی و موردی متناسب با اقتضائات و نیازهای اقوام مختلف، سیاست‌گذاری قومی مبتنی بر پژوهش‌ها و درنهایت اراده جدی در حوزه اجراست.

به‌طور کلی مدل ارائه‌شده در این پژوهش تلاش می‌کند تا با جامع‌نگری و توجه به همه مؤلفه‌های مهم در سیاست‌گذاری قومی در جمهوری اسلامی ایران و با کاستن از زمینه‌های واگرایی قومی موجب تقویت هویت ملی-دینی شود. توجه به کاربست اصل شهروندی به شکل مندرج در قانون اساسی و نه مفهوم و مصداق غربی و لیبرالی این مفهوم می‌تواند تاحدزیادی تضادهای اجتماعی موجود بین

گروه‌های قومی- مذهبی را ترمیم و مانع از فعال، متراکم و سیاسی شدن آنها به‌عنوان یکی از کانون‌های مهم آسیب‌پذیری و بالفعل شدن تهدیدات امنیتی در سطوح منطقه‌ای و ملی و افزایش ضریب امنیتی این اقوام باشد. ازسوی دیگر در ایران باتوجه به تجربه تاریخی وجود اقوام مختلف در آن و تجربه سیاست‌های مختلف سرکوب، انکار و یکسان‌سازی تا تکثرگرایی نابرابر که بخش عمده آن را در دوره پهلوی اول شاهد هستیم؛ باید هرگونه سیاست‌گذاری قومی با توجه به آموزه‌های دین مبین اسلام در پذیرش تنوع فرهنگی، رویکرد عدالت‌محور درقبال اقوام، ظرفیت‌های فراگیر هویت ملی که همه اقوام را شهروند ایران می‌داند، به رسمیت شناختن حقوق اقوام در قانون اساسی و سند چشم‌انداز کشور تدوین و اعمال شود. در همین راستا سیاست‌های رسمی دولت جمهوری اسلامی ایران در انتشار کتاب، روزنامه و مجله به زبان‌های قومی و حتی پخش برنامه‌های تلویزیونی به زبان‌های قومی تاحدی توانسته مطالبات گذشته به‌ویژه در حوزه فرهنگی را پاسخ دهد، اما به‌نظر می‌رسد، دولت برای رسیدن به فضای مطلوب در پاسخ‌گویی به مطالبات اقوام در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، باید تلاش بیشتری کند و این تلاش هم در حوزه تنظیم رویکردهای کلان و هم حوزه تدوین و اجرای سیاست‌های جزئی و موردی است.

پژوهش کمی حاضر که مبتنی بر رویکرد کلی فوق انجام شده به‌نوعی بخش مکمل یک پژوهش کیفی با رویکرد گرند تئوری است. در آن پژوهش که به صورت کیفی و مبتنی بر مصاحبه با ۱۵ نفر از خبرگان حوزه مطالعات اقوام صورت گرفت درنهایت با تأکید بر ۴ مؤلفه هویت ملی، هویت دینی، شهروندمحوری و عدالت‌محوری؛ الگوی «تکثرگرایی ایرانی-اسلامی» به‌عنوان الگوی مطلوب جهت سیاست‌گذاری قومی و مدیریت تنوع‌ها در جمهوری اسلامی ایران مطرح شد. پرسش‌نامه پژوهش کمی حاضر نیز پس از اتمام بخش کیفی و مبتنی بر آن طراحی و ساماندهی شده است و یافته‌های این پژوهش که برگرفته از پرسش‌نامه‌هایی از دانشجویان دانشگاه امام‌صادق^(ع) و دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات (دانشجویان ساکن در مناطق قومی سراسر کشور)

است با نتیجه پژوهش کیفی مطابقت دارد. به نحوی که در هر دو پژوهش بر نقش و اهمیت مؤلفه‌های هویت ملی، هویت دینی، شهروندمحوری و عدالت‌محوری تأکید شده است. بر همین اساس این پژوهش ادعا دارد الگوی مطلوب برای سیاست‌گذاری قومی در جمهوری اسلامی ایران و مدیریت تنوع‌های قومی باید با اتخاذ رویکردی صحیح مبتنی بر مؤلفه‌های هویت ملی، هویت دینی، شهروندمحوری و عدالت‌محوری طراحی شود. به عبارتی هرگونه سیاست‌گذاری کلان در حوزه اقوام باید مبتنی بر ۴ مؤلفه فوق و بعد از صورت‌بندی و تعریف نسبتی معنادار میان این مؤلفه‌ها باشد. رویکردی که ما از آن با عنوان الگوی «تکثرگرایی ایرانی-اسلامی» تعبیر می‌کنیم. الگوی «تکثرگرایی ایرانی-اسلامی» به جهت کاربست دو مفهوم شهروندمحوری (ذیل هویت ملی) و عدالت‌محوری (ذیل هویت دینی) و شاخصه جامع‌نگری؛ امکان سیاست‌گذاری کارآمد و اثربخش در حوزه اقوام را تقویت می‌کند. نکته مهم در تدوین و اجرای این الگو توجه به نسبتی است که با هویت ملی برقرار می‌کند. بر این اساس اگر این الگو در نهایت سبب تقویت حس تعهد به هویت ملی شود، مطلوب است و در غیر این صورت آسیب‌شناسی و بازاندیشی در آن ضروری است.

منابع و مأخذ

- ابطحی، سیدحسین؛ الیاسی، محمدحسین؛ مصطفی‌نژاد، حسن. (۱۳۸۹). الگویی برای مدیریت انتظامی بحران‌های قومی ایران (مطالعه موردی قوم کرد)، پایان‌نامه دکتری تخصصی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- امیرکافی، مهدی؛ حاجیانی، ابراهیم. (۱۳۹۲). نسبت هویت قومی و ملی در جامعه چندقومی ایران: بررسی و مقایسه سه رهیافت نظری، فصلنامه راهبرد، سال بیست و دوم، شماره ۶۶، ۱۱۷-۱۴۶.
- جهانگیرزاده، جواد. (۱۳۹۰). بازخوانی و واکاوی سیاست قومی در جمهوری اسلامی ایران و مقایسه آن با دوره پهلوی دوم، رساله دکتری دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.
- حسابی، احمد. (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین همبستگی ملی با گفتمان سیاست‌های قومیتی و تأثیر آن بر قومیت‌های مختلف در خوزستان (در دوره اصلاحات)، فصلنامه علوم اجتماعی (دانشگاه آزاد شوشتر)، ۱۱(۳۷)، ۳۷۳-۳۹۴.
- حق‌پناه، جعفر. (۱۳۹۴). سیاست‌گذاری قومی در جمهوری اسلامی ایران، چگونگی، فرایند و عوامل موثر بر تدوین، فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی، ۱(۲)، ۶۹-۸۸.
- حیدری، جهانگیر. (۱۳۹۱). نقش مدیریت سیاسی در همگرایی و واگرایی اقوام، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- رحیمی، علیرضا. (۱۳۹۶). استراتژی‌های ملت‌سازی و توسعه ناموزون در ایران، مطالعات راهبردی سال بیستم، ۴(۷۸)، ۶۵-۱۰۲.
- صالحی‌امیری، سیدرضا. (۱۳۸۵). مدیریت تنوع قومی مبتنی بر نظریه‌های سرمایه اجتماعی، فصلنامه راهبرد، شماره ۴۰، ۳۷-۵۰.
- صالحی‌امیری، سیدرضا. (۱۳۸۹). انسجام ملی و تنوع فرهنگی، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، چاپ دوم.
- صفوی، سیدیحیی؛ علی‌پور، عباس. (۱۳۹۰). عوامل و ریشه‌های بحران قومی در ایران پس از انقلاب اسلامی (مطالعه موردی: کردستان)، پژوهش‌های مدیریت انتظامی (مطالعات مدیریت انتظامی)، ۶(۲)، ۱۹۴-۲۰۷.
- عباسی، پیمان؛ مقصودی، مجتبی؛ نادرپور، بابک. (۱۳۹۰). آسیب‌شناسی

- سیاست‌گذاری‌های قومی و تاثیر آن بر امنیت ملی نظام ج.ا.ا با تاکید بر ایل قشقایی، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- فرید، ابراهیم. (۱۳۹۳). مدل‌سازی معادلات ساختاری در داده‌های پرسش‌نامه‌ای به کمک نرم‌افزار AMOS 22، تهران: انتشارات واژگان و مهرگان قلم.
- قوشچی، محمدرضا؛ پورنادری، محمود. (۱۳۹۳). جهانی‌شدن و تکرگرایی قومی در ایران، چالش‌ها و فرصت‌ها، فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی‌شدن، سال پنجم، ۱۴(۱۷)، ۵۶-۹۱.
- کریمی مله، علی. (۱۳۹۰). درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی تنوع قومی مسائل و نظریه‌ها، تهران: سمت
- گودرزی، حسین. (۱۳۸۵). مفاهیم بنیادین در مطالعات قومی، تهران: تمدن ایرانی. مجتهدزاده، پیروز. (۱۳۸۷). دموکراسی و هویت ایرانی، تهران: کویر.
- محمودی، ابوالقاسم؛ افضلی، رسول؛ ذکی، یاشار؛ یزدان‌پناه، کیومرث. (۱۳۹۸). ارزیابی الگوهای سیاست‌گذاری و مدیریت قومی در ایران، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست و ششم، ۹۹، ۲۵۰-۲۷۶.
- مقصودی، مجتبی؛ دربندی، انوشه. (۱۳۹۱). بررسی سیاست‌های قومی جمهوری اسلامی ایران در قبال کردها در دولت اصلاحات، پژوهش‌نامه علوم سیاسی، ۲(۴)، ۱۵۵-۱۷۸.
- مهری، کریم؛ یزدخواستی، بهجت؛ پناهی، محمدحسین. (۱۳۹۳). سیاست‌گذاری قومی مبتنی بر دیدگاه مقام معظم رهبری: تحلیل تماتیک، دو فصلنامه علمی پژوهشی قدرت نرم، ۴(۱۰)، ۷۵-۸۷.
- میرحیدر، دره. (۱۳۹۴). مبانی جغرافیای سیاسی، تهران، انتشارات سمت.
- هوشنگی، حمید؛ اصلی‌پور، حسین. (۱۳۹۷). تبیین اهداف راهبردی و سیاست‌های مدیریت تنوع قومی در جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه علمی - پژوهشی سیاست‌گذاری عمومی، ۴(۴)، ۱۳۳-۱۵۱.
- هوشنگی، حمید؛ سیدامامی، کاووس؛ خانی، محمدحسن؛ کریمی مله، علی. (۱۳۹۶). سیاست‌گذاری عادلانه مدیریت تنوع قومی در جمهوری اسلامی ایران، پایان‌نامه دکتری تخصصی، دانشگاه امام‌صادق علیه‌السلام، دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی.
- یوسفی جویباری، محمد؛ صیدی محمدی، یاسر؛ فتاحی، علیرضا. (۱۳۹۱). نابرابری‌های قومی و امنیت ملی، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناسی، ۴(۱۵)، ۱۲۱-۱۳۷.

Bluhm. R & Thomsson. K. (2020). Holding on? Ethnic divisions, political institutions and the duration of economic declines, Journal of Development Economics, Volume 144, May 2020, 102457.

- Brown, M. (1993). ethnic and Conflict and International Securit. New Jersey: Princeton university press
- Cashmore. E. (1996). Dictionary of Race and Ethnic Relations, 4th edition, London 1Routledge6
- Cochran, C. and Malone, E. (2005). Public Policy: Prespectives and Choices, New York: MacGraw Hill
- Dunn, N. 2012. Public Policy Analysis. Fifth Edition, New Jersey: Pearson Prentice Hall.
- Galandini. S & Fieldhouse. E. (2019). Discussants that mobilise: Ethnicity, political discussion networks and voter turnout in Britain, Electoral Studies, Volume 57, February 2019, Pages 163-173 .
- Zhanarstanova. M. B & Nechayeva. E. L. (2016). Contemporary Principles of Political Representation of Ethnic Groups. Procedia Economics and Finance, Volume 39, 2016, Pages 76-82.

References

- Abbasi, P., Maghsoudi, M., Naderpour, B (2011). The pathology of ethnic policies and its impact on the national security of the Islamic Republic of Iran with emphasis on the Qashqai tribe, Master Thesis, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Faculty of Law and Political Science. (In Persian)
- Abtahi, S, H., Eliassy, M, H., Mustafa Nejad, H (2010). A Model for Disciplinary Management of Ethnic Crises in Iran (Case Study of the Kurdish Ethnicity), PhD Thesis, Allameh Tabatabai University. (In Persian)
- Amirkafi, M., Hajian, A (2013). The Ratio of Ethnic and National Identity in Iran's Multi-Ethnic Society: A Study and Comparison of Three Theoretical Approaches. Quarterly Journal of Strategy , Twenty-second year, No.66, 117-146.(In Persian)
- Bluhm. R & Thomsson. K. (2020). Holding on? Ethnic divisions, political institutions and the duration of economic declines, Journal of Development Economics, Volume 144, May 2020, 102457.
- Brown, M. (1993). ethnic and Conflict and International Securit. New Jersey: Princeton university press.
- Cashmore. E. (1996). Dictionary of Race and Ethnic Relations, 4th edition, London 1Routledge6.
- Cochran, C. and Malone, E. (2005). Public Policy: Prespectives and Choices, New York: MacGraw Hill.
- Dunn, N. 2012. Public Policy Analysis. Fifth Edition,.New Jersey: Pearson Prentice Hall.
- Farbod, I (2014). Structural Equation Modeling in Questionnaire Data Using AMOS 22 Software, Tehran: Vajgan and Mehregan Ghalam

- Publications. (In Persian)
- Galandini. S & Fieldhouse. E. (2019). Discussants that mobilise: Ethnicity, political discussion networks and voter turnout in Britain, Electoral Studies, Volume 57, February 2019, Pages 163-173 .
- Goodarzi, H (2006). Fundamental Concepts in Ethnic Studies, Tehran: Iranian Civilization. (In Persian)
- Haghpanah, J (2015). Ethnic Policy Making in the Islamic Republic of Iran, How, Process and Factors Affecting Codification, Quarterly Journal of Public Policy, 1 (2), 69-88. (In Persian)
- Hesabi, A (2017). Investigating the Relationship between National Solidarity and the Discourse of Ethnic Policies and Its Impact on Different Ethnicities in Khuzestan (During the Reform Period), Social Sciences Quarterly (Shushtar Azad University), 11 (37), 373-394. (In Persian)
- Heydari, J (2011). The Role of Political Management in Ethnic Convergence and Divergence, M.Sc. Thesis, Ferdowsi University of Mashhad. (In Persian)
- Houshang, H., Sidamami, K., Khani, M, H., Karimi Mullah, A., (2017). Fair Policy Making for the Management of Ethnic Diversity in the Islamic Republic of Iran, PhD Thesis, Imam Sadegh University, Faculty of Islamic Studies and Political Science.(In Persian)
- Houshang, H., Asli Pour, H (2018). Explaining the strategic goals and policies of ethnic diversity management in the Islamic Republic of Iran, Quarterly Journal of Public Policy, 4 (4), 133-151. (In Persian)
- Jahangirzadeh, J (2011). Review and analysis of ethnic politics in the Islamic Republic of Iran and its comparison with the second Pahlavi period, PhD thesis, Faculty of Social Sciences, Allameh Tabatabai University. (In Persian)
- Karimi Mullah, A (2011). An Introduction to Political Sociology of Ethnic Diversity Issues and Theories, Tehran: Samat. (In Persian)
- Maghsoudi, M., Darbandi, A (2012). A Study of the Ethnic Policies of the Islamic Republic of Iran towards the Kurds in the Reform Government, Journal of Political Science, 2 (4), 155-178.(In Persian)
- Mahmoudi, A., Afzali, R., Zaki, Y., Yazdanpanah, K (2019). Evaluation of Ethnic Policy and Management Patterns in Iran, Quarterly Journal of Parliament and Strategy, Vol. 26, 99, 250-276. (In Persian)

- Mehri, K., Yazdkhasti, B., Panahi, M, H (2014). Ethnic Policy-Making Based on the Supreme Leader's Perspective: Thematic Analysis, Bi-Quarterly Journal of Soft Power, 4 (10), 75-87. (In Persian)
- Mir Haider, D., (2015). Fundamentals of Political Geography, Tehran, Samat Publications. (In Persian)
- Mujtahedzadeh, P (2008), Democracy and Iranian Identity, Tehran: Kavir. (In Persian)
- Qoshchi, M, R., Pornadari, M (2014). Globalization and Ethnic Pluralism in Iran, Challenges and Opportunities, Quarterly Journal of Strategic Studies on Globalization, Year 5, 14 (17), 56-91. (In Persian)
- Rahimi, A (2017). Nation-building strategies and uneven development in Iran, Strategic Studies of the Twentieth Year, 4 (78), 65-102. (In Persian)
- Safavid, S., Alipour, A (2011). Factors and roots of ethnic crisis in Iran after the Islamic Revolution (Case study: Kurdistan), Disciplinary Management Research (Disciplinary Management Studies), 6 (2), 194-207. (In Persian)
- Salehi Amiri,S,R (2006). Ethnic diversity management based on social capital theories. Quarterly Journal of Strategy,No. 40, 37-50. (In Persian)
- Salehi Amiri, S, R (2010) National Cohesion and Cultural Diversity, Tehran: Strategic Research Center of the Expediency Council, Second Edition. (In Persian)
- Yousefi Joybari, M., Sidi Mohammadi, Y., Fattahi, A (2012). Ethnic Inequalities and National Security, Quarterly Journal of Sociological Studies, 4 (15), 121-137. (In Persian)
- Zhanarstanova. M. B & Nechayeva. E. L. (2016). Contemporary Principles of Political Representation of Ethnic Groups. Procedia Economics and Finance, Volume 39, 2016, Pages 76-82.